



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۰ فروردین ۱۳۹۲

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: قسم سوم وضع - وضع هیئات - نظریه امام (ره) در جمل انشائیه

مصادف با: ۲۸ جمادی الاول ۱۴۳۴

جلسه: ۹۴

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث درباره نظریه پنجم پیرامون هیئات جمل خبریه و انشائیه بود، عرض کردیم امام (ره) در این رابطه نظری دارند که مختار ما هم همین نظر است، نظر ایشان را در باب جملات خبریه در جلسه گذشته عرض کردیم، محصل نظر ایشان در باب جملات خبریه این شد که هیئت جمل خبریه برای دلالت بر اتحاد و هوهویت تصدیقه بین موضوع و محمول وضع شده، در مقابل هوهویت تصویریه که در مرکبات ناقصه مطرح می شود لذا اینکه مشهور گفته اند جملات خبریه برای حکایت از نسبت وضع شده اند صحیح نیست، این نظر مبتنی بر مقدمه ای درباره انواع قضایای حملیه بود که در جلسه گذشته به این مقدمه اشاره کردیم، آنچه گفته شد مربوط به جملات خبریه ای است که در آنها از ادات و حروف استفاده نشده باشد اما در قضایای مأوله یا جملات خبریه ای که در آنها از حروف استفاده شده، هیأت جمله برای نسبت و ربط وضع شده است.

### ب) جملات انشائیه:

امام (ره) در مورد جملات انشائیه مطلبی دارند که ما این مطلب را اجمالاً عرض می کنیم، بین یکی از تقریراتی که از کلام امام (ره) شده با تقریر دیگر تفاوت است، کلمات امام (ره) هم به حسب ظاهر و نظر بدوی شاید قابل حمل بر هر دو تقریر باشد لکن ما قرائتی را ذکر خواهیم کرد که نظر امام (ره) بر یکی از این تقریرات قابل حمل است و آن تقریر اصح از دیگری است، اگر به خاطر داشته باشید ما در ابتدای بحث از هیئات گفتیم آنچه که مرحوم آخوند بیشتر به آن پرداخته و موضوع بحث قرار داده جملاتی هستند که هم قابلیت اخبار را دارند و هم قابلیت انشاء مثل «بعثت»، تلاش مرحوم آخوند این بود که فرق بین «بعثت» انشائی و «بعثت» اخباری را بیان کند و الا در جملاتی که ممحّض برای اخبارند یا جملاتی که ممحّض برای انشاء هستند ابهامی وجود ندارد لذا آنچه که ما از قول مرحوم آخوند عرض کردیم که بین جمله خبری و انشائی هیچ فرقی از نظر معنی، موضوع له و مستعمل فیه وجود ندارد عمدتاً ناظر به «بعثت» خبری و «بعثت» انشائی بود، عمده بحث و نزاع در جملاتی بود که هم قابلیت اخبار را دارند و هم قابلیت انشاء مثل «بعثت»، این نکته را متذکر شدیم تا توجه داشته باشید که ما گاهی در فرق بین جملات اخباری و انشائی به نحو کلی و عام بحث می کنیم و گاهی از خصوص هیئاتی مثل «بعثت» که قابلیت اخبار و انشاء را دارد بحث می کنیم و الا فرق بین «ضربت» که جمله خبری است و «اضرب» که جمله ای انشائی است واضح و روشن است. این مقدمه را عرض کردیم که توجه داشته باشید بحث کلی ما در رابطه با فرق بین جملات خبریه و انشائیه است ولی آنچه بیشتر مد نظر و

محل بحث است جملاتی مثل «بعث» است که هم قابلیت انشاء را دارد و هم قابلیت اخبار. امام (ره) در کتاب مناهج الوصول می‌فرماید: جملات انشائییه بر دو نوع است؛ یک نوع از جملات انشائییه در ابواب عقود و ایقاعات استعمال می‌شوند و نوع دیگر در ابواب اوامر و نواهی استعمال می‌شوند، آن قسمی که در اوامر و نواهی وجود دارد به محل خودش موکول می‌شود که در آنجا در مورد هیئت امر و نهی و دلالت آنها بحث می‌شود، عمده بحث ما در باب جملات انشائییه‌ای است که در ابواب عقود و ایقاعات استعمال می‌شوند، امام (ره) در مورد این قسم می‌فرماید: هیئت جمله انشائییه مستعمل در ابواب عقود و ایقاعات مثل «بعث» انشائی در واقع آلت و ابزار و وسیله‌ای برای ایجاد یک شیء از اعتباریاتی است که بشر به آن محتاج است، در «بعث» که به عنوان صیغه عقد بیع بکار می‌رود در واقع به وسیله این هیئت ماده آن یعنی حقیقت بیع ایجاد می‌شود، حقیقت بیع در واقع چیزی است که مرتبط با ثمن و مثن و بایع و مشتری است، پس هیئت «بعث» انشائی بر نفس ایجاد یک شیء اعتباری دلالت می‌کند شبیه آنچه که در ایجاد تکوینی اتفاق می‌افتد ولی هیئت «بعث» خبری از نفس این ایجاد حکایت می‌کند؛ به عبارت دیگر هیئت «بعث» انشائی موجب حقیقت بیع است و هیئت «بعث» اخباری از این ایجاد حکایت می‌کند لذا هر دو معنای حرفی غیر مستقل دارند یعنی مفهوماً مستقل هستند و نه وجوداً.<sup>۱</sup>

ظاهر عبارت امام (ره) این است که «بعث» انشائی بر ایجاد یک شیء اعتباراً دلالت می‌کند و «بعث» خبری از یک ایجاد حکایت می‌کند، عرض کردیم از کلمات امام (ره) دو تقریر ارائه شده که این دو با هم فرق می‌کند:

#### تقریر اول:

در یک تقریر از کلمات امام (ره) تصریح شده موضوع‌له در «بعث» انشائی غیر از موضوع‌له در «بعث» خبری است و معنای آنها متباین است و آن عبارتی است که در جواهر الاصول آمده که می‌فرماید: «فهیئة بعث الانشائیة موجدة للبیع و هیئة بعث الاخباریة تحکی عن هذا الایجاد فلکل من الانشاء و الاخبار معنی غیر ما للآخر و الموضوع‌له فی بعث الانشائیة غیر الموضوع‌له فی بعث الاخباریة و معناهما متباینان»؛<sup>۲</sup> در این عبارت تصریح شده که موضوع‌له «بعث» انشائی غیر از موضوع‌له «بعث» اخباری است.

#### تقریر دوم:

تقریر دوم از کلمات امام (ره) که از آن استفاده می‌شود موضوع‌له جملات خبریه و انشائییه یکی است عبارتی است که در تنقیح الاصول آمده که می‌فرماید: «والفرق بین بعث الانشائی و الاخباری بعد اشتراکهما فی أن هیئتهما وضعت للدلالة علی الایجاد بالمعنی الحرفی كما ذکرناه آنفاً هو أن الهیئة فی الاول للایقاع و الایجاد بالفعل و فی الحال و فی الثانی للاخبار بتحقیقه فی الماضي أی تحقق الایقاع فی السابق إمّا تشریفاً كما فی بعث الدار أمس او تکویناً كما فی ضربت زیداً أمس»؛<sup>۳</sup> در این عبارت می‌گوید «بعث» انشائی و «بعث» اخباری در یک جهت با هم مشترکند و آن این است که هیأت «بعث» خبری و انشائی برای دلالت بر ایجاد به معنای حرفی وضع شده‌اند و فرق بین این دو در این است که در «بعث» انشائی، هیأت «بعث» بر ایجاد بیع در

۱. مناهج الوصول، ج ۱، ص ۹۴ و ۹۵.

۲. جواهر الاصول، ج ۱، ص ۱۵۵.

۳. تنقیح الاصول، ج ۱، ص ۵۸.

زمان حال دلالت می‌کند ولی هیأت «بعث» خبری بر ایجاد بیع در زمان سابق دلالت می‌کند، لذا ظاهر این عبارت این است که تفاوت «بعث» خبری و انشائی فقط به حسب زمان است که این ایجاد و ایقاع گاهی تشریحی است مثل اینکه گفته شود «بعث الدار أمس» و گاهی تکوینی است مثل اینکه گفته شود «ضربت زیداً أمس»، پس فرق جمله خبری و انشائی یک فرق واقعی و حقیقی نیست و تنها فرق بین آنها تفاوت به لحاظ زمان است.

این دو تقریر کاملاً در مقابل هم قرار دارند چون در تقریر اول گفته شد که موضوع له «بعث» خبری و موضوع له «بعث» انشائی با هم متباینند و حقیقت آنها دو چیز است لکن در تقریر دوم می‌گوید موضوع له «بعث» خبری و انشائی یک چیز است و تفاوت آنها فقط به لحاظ زمان است یعنی «بعث» خبری، دلالت بر ایقاع و ایجاد بیع در زمان ماضی ولی «بعث» انشائی، دلالت بر ایقاع و ایجاد بیع در زمان حال می‌کند. به حسب نظر بدوی عبارت مناهج الوصول بر هر دو تقریر قابل حمل است ولی قرائنی در کلام امام (ره) وجود دارد که باعث می‌شود ما ادعا کنیم کلام ایشان هم با تقریر دوم تناسب بیشتری دارد.

مرحوم آیت الله فاضل هم در آنچه از بحث‌های ایشان منتشر شده اگر چه نامی از امام (ره) نبرده ولی معلوم است که نظر امام (ره) را بیان می‌کنند و ظاهراً مختار خودشان هم می‌باشد، مطلب را به گونه‌ای بیان کرده که مناسب با تقریر دوم است که از تنقیح الاصول نقل شد.<sup>۱</sup>

تهذیب الاصول هم تقریباً همان عبارات مناهج الوصول را آورده است لذا از عبارات آن بدست نمی‌آید که بیشتر با تقریر اول موافق است یا تقریر دوم.<sup>۲</sup>

آنچه ذکر شد برای این بود که معلوم شود از نظر امام (ره) در رابطه با جملات انشائیه که در ابواب عقود و ایقاعات استعمال می‌شوند مثل «بعث» که قابلیت اخبار هم در آنها وجود دارد چه فرقی بین «بعث» خبری و انشائی وجود دارد، در مورد موضوع له هیأت جملات خبریه عرض کردیم بحثی نیست و اختلافی وجود ندارد اما بحث درباره هیأت جملات انشائیه در این است که بالاخره به نظر امام (ره) موضوع له جملات انشائیه چیست و جملات انشائیه به نحو مطلق با جملات خبریه چه تفاوتی دارند؟ بین «بعث» انشائی و «بعث» خبری چه فرقی وجود دارد؟ ما باید از این سؤالات پاسخ دهیم، اما قبل از همه در مورد فرق بین «بعث» انشائی و «بعث» خبری توضیحی را ارائه می‌دهیم و سپس به قرائنی که در این رابطه وجود دارد اشاره خواهیم کرد.

#### توضیح تقریر دوم:

به نظر می‌رسد امام (ره) در واقع معتقد است فرقی از حیث موضوع له بین «بعث» خبری و «بعث» انشائی وجود ندارد یعنی این گونه نیست که «بعث» انشائی یک بار برای دلالت بر انشاء وضع شود و همین هیأت برای دلالت بر خبر وضع شود و دو وضع مستقل و دو معنای مستقل داشته باشد بلکه فرق آنها فقط به اعتبار زمان است، برای اینکه فرق بین زمان با وجود اشتراک در هیأت معلوم شود به «یضرب» مثال می‌زنیم، «یضرب» فعل مضارع است که بر وقوع ضرب در زمان حال و استقبال دلالت

۱. سیری کامل در اصول فقه، ج ۱، ص ۴۷۸ و ۴۷۹.

۲. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۵۴.

می‌کند و فرقی بین این دو از نظر هیأت وجود ندارد. تنها تفاوت بین این دو از نظر زمان است که یکی در زمان حال و دیگری در زمان آینده واقع می‌شود، در مورد «بعث» خبری و انشائی هم مطلب از همین قرار است، یعنی موضوع‌له هر دو یکی است و فقط زمان «بعث» انشائی با «بعث» خبری فرق می‌کند که زمان «بعث» انشائی مربوط به زمان حال است ولی زمان «بعث» خبری مربوط به زمان گذشته است.

حال با توجه به این مطلب، نظیر آن در «بعث» خبری و «بعث» انشائی وجود دارد. بر این ادعا می‌توان مؤیدی ذکر کرد. در ماده بیع به حسب لغت و به حسب اصطلاح فقهی، خصوصیت انشائیت مطرح است، در لغت بیع، را به معنای «مبادله مال بمال» دانسته‌اند که منظور از این مبادله قطعاً مبادله و جابجایی مکانی نیست، این گونه نیست که وقتی گفته می‌شود من خانه‌ام را به فلان زمین فروختم معنایش این باشد که خانه را با زمین جابجا کرده باشد بلکه منظور از این مبادله، مبادله و جابجایی اعتباری که همان مبادله در مالکیت و تملیک است می‌باشد و این معنی در ماده و معنای بیع وجود دارد. در فقه هم در معنای بیع گفته می‌شود «البيع انشاء تمليک عين بمال»، که اینجا هم پای اعتبار و انشاء در کار است و حقیقت بیع مساوی با یک نوع انشاء می‌باشد، پس هم به حسب لغت و هم به حسب اصطلاح فقهی خصوصیت انشائیت در معنای بیع و ماده آن وجود دارد لذا هر جا گفته شود «بعث»، انشاء و ایقاع در آن وجود دارد، حال گاهی این «بعث» به صورت جمله خبری استعمال می‌شود و گاهی به صورت جمله انشائی استعمال می‌شود، در «بعث» خبری در واقع از انشاء در زمان گذشته حکایت می‌کند، وقتی گفته می‌شود من خانه‌ام را فروختم و در مقام اخبار است به این معنی است که انشاء بیع در زمان گذشته واقع شده است، پس از همان انشاء بیع حکایت می‌کند لذا معنای «بعث» خبری ایقاع و انشاء بیع در زمان ماضی است، وقتی هم «بعث» انشائی بکار برده می‌شود، از انشاء بیع حکایت می‌کند لکن منظور انشاء بیع در زمان حال می‌باشد، پس امکان ندارد «بیع» در جایی استعمال شود و خالی از انشاء باشد لذا هم «بعث» انشائی و هم «بعث» خبری از انشاء بیع حکایت می‌کند لکن زمان این دو با هم فرق می‌کند؛ «بعث» انشائی از ایجاد و انشاء بیع در زمان حال ولی «بعث» خبری از ایجاد و انشاء بیع در زمان ماضی حکایت می‌کند لذا بین موضوع‌له «بعث» انشائی و «بعث» خبری تفاوتی وجود ندارد و فرق آنها فقط به لحاظ زمان است.

«والحمد لله رب العالمين»